

بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدویت در جامعه ایران

حجت‌حیدری چراتی^۱
مهرداد ندرلو^۲

چکیده

«امنیت و انسجام اجتماعی» از جمله مولفه‌هایی است که موجب توسعه و رشد مادی و معنوی جامعه و تضمین کننده زندگی و حیات جمعی است. باورها و آموزه‌های دینی، به ویژه مهدویت، می‌توانند در صورت تبیین صحیح، با محکم کردن روحیه دینی و امید به آینده روشن، موجب همگرایی مردم شود و در نتیجه به امنیت بخشی در جوامع مبتنی بر ایدئولوژی توحیدی، به ویژه جامعه ایران با اکثریت شیعی و باورمند به مهدویت، کمک کند. از سوی دیگر این اندیشه در صورت تحریف و تنزل جایگاه آن توسط فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی و با گرایش اعضای جامعه به سوی آن‌ها، می‌تواند در جهت عکس عمل کند و موجب واگرایی در جامعه شود و در نتیجه موجب تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گردد. این جستار که به روش «توصیفی-تحلیلی» و گردآوری اطلاعات به شیوه «کتابخانه‌ای» و با استفاده از فضای اینترنت سامان یافته، به بررسی تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان منصورهاشمی خراسانی پرداخته است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که آسیب‌های گرایش به جریان هاشمی خراسانی، در حوزه اجتماعی عبارت است از: تضعیف باورهای دینی، گسیختگی نظم اجتماعی، تخریب نهاد خانواده و ترویج خشونت در جامعه.

واژگان کلیدی: جریان‌های انحرافی مهدویت، تهدید، امنیت، اجتماع، منصور هاشمی خراسانی.

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا مرکز تخصصی مهدویت، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

heydarihcharati@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح ۴ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، ایران.

ndrlwmhrdad5@gmail.com

مقدمه

یکی از تهدیدهای اجتماعی جوامع دیندار، به ویژه جوامع اسلامی، ظهور فرقه‌های مذهبی و گرایش بخشی از افراد به سوی آن‌ها است. نتیجه تلاش این فرقه‌ها موجب گردیده است تا تهدیدهای امنیتی و اجتماعی دامنگیر جامعه شود. باید توجه داشت که تهدیدها (فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی) قبل از ورود به مقطع ظهور عینی‌شان در جامعه حضور دارند و (تهدید بالقوه) هستند و به همین دلیل، جامعه‌شناسان در برابر تهدید در فضای اجتماعی از مفهوم مستقلی به نام پدیده اجتماعی (قبل شکل‌گیری جریان) بهره می‌برند که بر عینیت اجتماعی مقدم است (ر.ک: افتخاری، ۱۳۸۵: ص ۷). بر این مبنا، یک پدیده (جریان) قبل از آن که در فضای خارجی، هویتی عینی یابد، دارای «هویت اجتماعی» در درون ساختار جامعه است که در قیاس با دوره عینیت می‌توان از آن به «دوره تکوین» یاد کرد. تهدیدهای اجتماعی قبل از آن‌که به مرحله ظهور و عینیت برسد، به گفته هابرماس، هر عقلی قادر به شناخت آن نیست. بنابراین، برای درک پدیده اجتماعی (تهدیدها) اگر «عقل ضعیف» ابزار شناخت قرار گیرد که ظهور عینی موضوعات را ملاک قرار می‌دهد، «هویت اجتماعی» مفهوم خود را از دست خواهد داد؛ اما اگر «عقل قوی» ابزار شناخت باشد، در آن صورت است که، فضای اجتماعی نه تنها بی‌معنا نخواهد بود، بلکه از اهمیت و حساسیت دو چندان برخوردار خواهد شد (ر.ک: همان).

بنابراین، ضروری است به بررسی تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان منصور هاشمی خراسانی پرداخت، تا قبل از گذر این جریان از مرحله اندیشه و تفکر و رسیدن به مرحله عینیت و ظهور اجتماعی فعال با شناسایی تهدیدهای امنیتی و اجتماعی آن از بروز تهدیدهای بعدی جلوگیری به عمل آید؛ چرا که با توسعه حوزه شناخت می‌توان تهدیدات را قبل از بروز و ظهور آن‌ها در جامعه شناخت و برای حل مشکلات ناشی از فرقه‌ها، راه حل صحیح ارائه کرد. از این رو، این جستار تلاش دارد به بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان منصور هاشمی خراسانی^۱ بپردازد و به این سوالات پاسخ دهد که اولاً، چرا این جریان یک

۱. در نگاهی کلی، ادعاهای جریان‌های انحرافی مهدوی را می‌توان به پنج گونه ۱. مدعیان مهدویت؛ ۲. مدعیان بابت و نیابت؛ ۳. مدل‌سازان نشانه‌های ظهور (زمینه‌سازی)؛ ۴. مدعیان ملاقات و ارتباط؛ ۵. مدعیان همسری و فرزنددستی دسته

ضد امنیتی است و ثانیاً، چه تهدیدهای امنیتی و اجتماعی می‌تواند بر اثر گرایش به این جریان بر جامعه ایران تحمیل شود؟

در زمینه پیشینه پژوهش باید توجه کرد که در بررسی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی، کم‌تر پژوهشی یافت می‌شود که به بررسی چالش‌های امنیتی و اجتماعی فرقه‌ها پرداخته باشد. در این زمینه می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران»، از علی رضا قاضی‌زاده (قاضی‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۱۴۹-۱۹۰) و همچنین به «آسیب‌شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام»، نوشته عبدالحسین خسرو پناه (خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۵-۲۸) و نیز پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی»، نوشته ابراهیم حاجیانی (حاجیانی، ۱۳۸۳: ص ۲۳۳-۲۵۱) اشاره کرد. در زمینه پژوهش‌هایی که در ارتباط با جریان منصور هاشمی خراسانی است نیز می‌توان به تحقیقی با عنوان «تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی» از نگارندگان (حیدری چراتی و ندرلو، ۱۴۰۰: ص ۷۰-۹۰) اشاره کرد که تفاوت آن با مقاله پیش‌رو، در مسئله تحقیق و نوع رویکرد آن است. به بیان دیگر، مقاله مذکور در تلاش بوده است تا به نقش این

....»

بندی کرد (عرفان، ۱۳۹۵: ص ۴۹-۶۶). که جریان خراسانی مدعی خراسانی بودن رهبر این جریان است و بر اساس ادعای سرکرده این گروه انحرافی، می‌توان آن را در ذیل چهارگونه از گونه‌های مدعیان قرار داد. ۱. ادعای مهدی بودن (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸: ص ۱۵۶ و ۱۳۸؛ پایگاه اطلاع‌رسانی منصورهاشمی خراسانی، بخش پرسش‌ها، ۱۳۹۴: کد ۱۲۳)؛ ۲. نیابت، وصایت و خلافت از مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه (همان، ص ۱۵۷)؛ ۳. مدل سازی نشانه‌های ظهور و خراسانی بودن (همان)؛ ۴. ادعای ارتباط و ملاقات (همان، ص ۱۳۵). رهبر این جریان، فردی است به نام «علی‌رضا بابایی آریا» (هوشیار، ۱۳۹۹: ص ۴۳ و همان، ۱۳۹۸: ص ۲۵) که از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی در ایران فعالیت خود را شروع کرد و پس از این‌که فضای ایران را برای ترویج افکار انحرافی خود مناسب ندیده، به افغانستان متواری شد و به سازمان‌دهی پیروان خود پرداخت. تاکنون چند کتاب از سوی این گروه در فضای حقیقی و مجازی انتشار یافته است که مهم‌ترین آن‌ها کتاب «بازگشت به اسلام و هندسه عدالت» می‌باشد. کتاب‌های دیگر نیز با عنوان منهاج السنه، سبل السلام، دروازه‌ای به سوی ملکوت و مجموعه پرسش و پاسخ‌ها منتشر شده است (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت؛ سایت دفتر اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی).



جریان در ایجاد اختلافات ملی و مذهبی پردازد؛ در حالی که این پژوهش تنها به دنبال شناسایی تهدیدهای گرایشی افراد به این جریان می‌باشد. برخی تحقیقات نیز در این زمینه صورت پذیرفته‌اند که در ارتباط با مسئله نمی‌باشند که می‌توان به دو کتاب از علی محمدی هوشیار با عنوان «توهم بازگشت و پرچم‌های تاریکی» و مقاله‌ای با عنوان «بررسی ادعاهای منصورهاشمی خراسانی در زمینه ظهور»، از فاطمه ملاشاهی (ملاشاهی، ۱۴۰۱: ص ۱۷۶-۱۹۱) اشاره کرد. قابل یادآوری است که این جستار تنها از بعد گرایشی به تهدیدهای امنیتی و اجتماعی جریان خراسانی نظر دارد و به اصول و مبانی جریان و نیز نوع فعالیت‌های آن، در مقالات جداگانه پرداخته شده است (ر.ک: حیدری چراتی، ندرلو، ۱۴۰۰: ص ۷۰-۹۰ و همان، ۱۴۰۲).^۱

۱. تبیین مفاهیم

برای دریافت و فهم دقیق مطالب، تبیین و شرح واژگان کلیدی تحقیق مانند «تهدید»، «امنیت» و «جریان» ضروری است.

۱-۱. جریان

«جریان» در لغت به معنای رفتن، روان شدن و وقوع یافتن امری آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ص ۷۶۷۳؛ معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۵۳۰؛ راغب، ۱۳۸۷: ص ۱۴۷). جریان در اصطلاح عبارت است از تشکل، جمعیت و گروهی اجتماعی معین که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار (خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۹) و به دنبال تاثیرگذاری بر عموم افراد جامعه است (اسکندری، ۱۳۹۶: ص ۳۶ و ر.ک: مظفری، ۱۳۹۶: ص ۱۵). بنابراین، جریان چند شاخصه دارد: ۱. دارای رهبر است؛ ۲. رهرو و پیرو دارد؛ ۳. از اندیشه و تفکر برخوردار است؛ ۴. در نطفه باقی نمی‌ماند، بلکه متولد می‌شود و حرکت می‌کند؛ ۵. دارای کارکرد و تاثیرگذاری بر امور اجتماعی

۱. این مقاله با عنوان «بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه» در کتاب مجموعه مقالات همایش ملی «جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت در دوران معاصر و راهبردهای مواجهه با آن‌ها» در سال ۱۴۰۳ به چاپ خواهد رسید.

سیاسی، اعتقادات و تدین است. جریان منصور هاشمی خراسانی به دلیل برخورداری از این شاخصه‌ها، در ذیل این تعریف از جریان قرار می‌گیرد.

۲-۱. تهدید

«تهدید» در لغت به معنای ترسانیدن، بیم دادن، بیم و ترس آمده است (دهخدا، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۸۱) و ابن منظور، بی تا: ج ۳، ص ۴۳۳ و ۶۷۳). در اصطلاح نیز به معنای توانایی‌ها، نیات و اقدام‌های دشمنان بالفعل و بالقوه برای جلوگیری از دستیابی به اهداف و نیل به منافع تعریف شده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ص ۸۴). افتخاری بر این باور است که امنیت دارای دو بعد «سخت افزاری» و «نرم افزاری» است. او در بعد سخت افزاری تهدید را به مثابه عاملی عینی، محسوس و واقعی که منافع بازیگر را از ناحیه بیرون و یا به شکل درونی با حمایت نیروی خارجی به مخاطره می‌افکند توصیف کرده و در بعد نرم افزاری تهدید را مقوله‌ای ذهنی و مبتنی بر تصاویری که هویت بازیگر مقابل را هدف قرار می‌دهد؛ تعریف کرده است (ر.ک: افتخاری، ۱۳۸۵: ص ۱۸-۷۷). جریان انحرافی خراسانی ذیل هر دو قسم از معنای تهدید جای دارد.

۳-۱. امنیت

واژه «امنیت» (أ، م، ن) مصدر است و در لغت، دو معنای نزدیک به هم دارد: یکی آرامش دل و دیگری تصدیق. ابن فارس در این باره نوشته است: همزه و میم و نون دو اصل معنایی نزدیک به هم‌اند: یکی امانت (ضد خیانت و به معنای آرامش دل) و دیگری گواهی دادن. مرد زمانی قابل اعتماد است که مردم از او در امان باشند و نگران غائله‌آفرینی او نباشند (ابن فارس، بی تا: ج ۱، ص ۱۳۴). راغب نیز در مفردات می‌نویسد: ریشه امن، آرامش خاطر و رفع نگرانی است (راغب، ۱۳۷۵: ص ۹۰). معین و عمید نیز امنیت را به ایمن شدن، در امان بودن، بی‌بیمی (معین، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۱۹۴) آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۷۱) تعریف کرده‌اند؛ اما در اصطلاح و ارائه یک تعریف مدون و مشخص برای این لفظ اختلاف وجود دارد که در مجموع می‌توان گفت امنیت پدیده‌ای است که بر دو عنصر قدرت بازدارنده از تهاجم دشمنان و عنصر رضایت اجتماعی جامعه از نظام حاکم متکی است که در صورت اخلال در هریک امنیت جامعه مختل خواهد شد (ر.ک: افتخاری، ۱۳۸۵: ص ۲۷) و این تعریف تهدیدهای امنیتی گرایش به



جریان هاشمی خراسانی را نیز شامل می‌شود.

۲. تهدیدهای جریان‌های انحرافی مدعیان مهدوی

«تهدید» پدیده‌ای پیچیده و از حیث ماهوی در بردارنده دو چهره متفاوت، اما مرتبط و مکمل یکدیگر است که از آن به ابعاد ماهیت شناسانه و معرفت شناسانه تهدید یاد می‌شود. در نگرش معرفت شناسانه، تبارشناسی تهدید و نمودهای بیرونی آن مورد نظر است و در رویکرد ماهیت شناسانه، بررسی ملاحظات معنا شناختی^۱، نتیجه اتخاذ این رویکرد جامع به تهدید و شناسایی «پدیده‌های اجتماعی»، به مثابه نقطه آغازین فرآیند «امنیتی شدن» یا «غیر امنیتی شدن» پدیده‌ها می‌باشد که راه را برای پیشگیری از ظهور تهدیدها و تبدیل کردن به فرصت هموار می‌سازد (همان، ص ۷۷). به همین ترتیب می‌توان سه رویکرد متفاوت در نگاه به امنیت را شناسایی کرد:

۱-۲. رویکرد عامیانه: در این رویکرد، افراد هر آنچه را امنیت می‌پندارند، بدون جست‌وجو پذیرفته و بدان پایبند هستند، تا زمانی که مشکل لاینحلی بروز کند و به خطای خود آگاه شوند. ۲-۲. رویکرد فلسفی: این رویکرد به دقت نظرهای فلسفی می‌پردازد و عملاً راه را برای ارائه تعریفی واحد از امنیت سلب می‌کنند.

۳-۲. جامعه شناختی: در این رویکرد، واقعیت بر اساس بستر اجتماعی جامعه در نظر گرفته شده و امنیت مقوله‌ای اجتماعی به شمار آمده است که می‌توان بر اساس واقعیت‌های خاص هر جامعه، طیف‌های متنوعی از تئوری‌های امنیت را، بر اساس ارزش‌ها و مولفه‌های اجتماعی همان جامعه شناسایی کرد (همان، ص ۲۶). که باتوجه به بستر اجتماعی هر جامعه قابل فهم است.

با توجه به رویکرد سوم (جامعه شناختی) و در نظر گرفتن وضعیت جامعه ایران، به عنوان جامعه دینی و توجه غالب اعضای جامعه به دین و آموزه‌های برآمده از آن، به‌ویژه باور به

۱. در این جستار، بعد ماهیت شناسانه تهدید که به تمایزات این واژه با دیگر واژگان می‌پردازد، مورد نظر نبوده و فقط بر بعد معرفت شناسی و نمودهای بیرونی تهدیدها تمرکز دارد.

مهدویت، در میان عناصر متعددی که می‌توان از آن‌ها به عنوان مولفه‌های ضد امنیتی نام برد؛ فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی که با سوء استفاده از بستر آموزه‌های دینی (مهدویت) سبب به وجود آمدن تضاد دینی در جامعه می‌شوند؛ در شمار یکی از مهم‌ترین عناصر ضد امنیتی اجتماعی قرار دارند. چنان‌که شاهد فعالیت‌های ضد امنیتی فرقه‌های انحرافی مانند بابیت در دوره قاجار و بهائیت در دوره معاصر و یا جریان انجمن حجتیه و احمد الحسن و دراویش گنابادی بوده‌ایم (اسحاقیان درچه و حیدری چراتی، ۱۳۹۹: ص ۱۳۳-۱۵۸) که:

در صورت غفلت از باز تولید ضریب ایدئولوژیک مبتنی بر نظام ارزشی انقلاب، [گرایش به این‌گونه تفکرات انحرافی] به مرور زمان علایق و سلیقه‌های اعضا، به خصوص نسل جوان تغییر خواهد کرد و بین خواسته‌های ملت و داشته‌های حاکمیت فاصله ایجاد می‌شود و در مواردی نیز به تعارض و تناقض منجر می‌گردد (افتخاری، ۱۴۰۱: ص ۶۸).

نیز می‌تواند برای نظام اجتماعی منسجمی که بر ایدئولوژی و جهان بینی توحیدی مبتنی است، تهدید جدی تلقی شود و امنیت آن را به مخاطره افکند؛ به خصوص که با بررسی اعتراضات و بعضاً اغشاشات در دهه‌های اخیر شاهد حضور فعال این جریان‌ها در اقدام علیه انقلاب اسلامی هستیم.

بنابراین، جریان منصور هاشمی خراسانی با ادعای زمینه‌سازی ظهور، به دلیل همسو نبودن قرائت آن با اصول پذیرفته شده در مهدویت و ایجاد تضاد و تناقض دینی در جامعه، جریانی ضد امنیتی است، و گرایش مردم به سوی این تفکر انحرافی و غلفت از پیامدهای آن، به ایجاد شکاف و عدم تطبیق توقعات مردم با اهداف نظام منجر خواهد شد، و به دلیل نارضایتی ناشی از تبلیغات این گروه انحرافی علیه انقلاب و برآورده نشدن توقعات کاذبی که از سوی آن ایجاد شده است؛ امنیت اجتماعی به خطر خواهد افتاد. در ادامه برخی از تهدیدات امنیتی و اجتماعی گرایش به این جریان را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم:

۳. تهدیدهای اجتماعی

مراد از «تهدیدهای اجتماعی» درهم شکستن سازمان اجتماعی است و هر نوع یا هر میزان از



تضعیف یا گسیختگی الگوها در روابط اجتماعی را شامل می‌شود که منافع جامعه را هم به صورت عینی و هم به صورت ذهنی و روانی مورد تهدید قرار می‌دهد و امنیت اجتماعی را مختل می‌کند و از آنجا که جوامع دینی مهم‌ترین بستر رشد جریان‌های انحرافی هستند، تهدیدها و پیامدهای ناشی از گرایش به این جریان انحرافی در نخستین مرحله متوجه اجتماع بشری است که به خاطر تضاد خواسته‌های جریان با خواسته‌های اکثر مردم، تهدیدی جدی علیه جامعه به شمار می‌آید و طبعاً در صورت غفلت از اقدامات مخرب این گروه انحرافی، جامعه با اختلال در نظام باورهای دینی، گسیختگی نظم اجتماعی، تخریب بنیان خانواده و گسترش خشونت روبه‌رو خواهد شد.

۳-۱. اختلال در نظام باورهای دینی

دین و مذهب همواره نیرومندترین وسیله انسجام بخشی به جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی بوده‌اند و با قاعده‌مند ساختن روابط، حیات جمعی را تضمین کرده‌اند (حاجیانی، ۱۳۸۳: ص ۲۳۳). از منظر جامعه‌شناسانی مانند دورکیم:

دین اهرم کارآمد استحکام و دوام بخشیدن به همبستگی اجتماعی است که با پیوند دادن پیروان خود به یکدیگر، ایجاد و تقویت دلبستگی در میان آنان، وحدت اجتماع را تامین می‌کند. این پیوند از طریق طراحی مراسم گوناگون دینی و ایجاد ارزش‌ها و باورهای مشترک برقرار می‌گردد (سلیمی، ۱۳۸۵: ص ۵۳۵ و ر.ک: حاجیانی، ۱۳۸۳: ص ۲۳۴).

در حالی که جریان‌های انحرافی مهدوی در این روند اختلال کرده و به تعارض ایدئولوژیک در جامعه دامن زده‌اند. که به نظر می‌رسد، علت آن در مواردی همچون باور به مهدویت در جامعه ایران، و پذیرش لوازم آن مانند غیبت و نیابت عامه فقها از امام معصوم در دوران غیبت است؛ در حالی که جریان منصور هاشمی خراسانی ادعا دارد که منصور هاشمی، نایب و وصی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف است (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸: ص ۱۵۷) و تنها تفسیر او، از متون دینی را صحیح دانسته و برای ایجاد تمایز بین باورهای جریان و اکثریت جامعه، بسیاری از باورها و اعتقادات مخالف خود را مصداق شرک و بت‌پرستی، خرافه‌گرایی، و دادن مقام نیمه‌خدایی به اهل بیت علیهم‌السلام و علما می‌داند. برای مثال می‌گویند:

هیچ شکی نیست که اهل تشیع، تحت تاثیر اوهام آن‌ها (تصوف) پیشوایان خود را نیمه‌خدایانی تصور کرده‌اند که هاله‌ای از نور به گرد سرهای آنان است و مردگان را زنده می‌کنند و بیماران را شفا می‌دهند و حوائج آن‌ها را برآورده می‌سازند و از هرچه در دل هاست، آگاهی دارند (هاشمی خراسانی، ۱۴۰۰: ص ۹۶).

یا درباره پیروی از فقها و ولی فقیه می‌گوید:

در کشورهایی مانند ایران درباره علمای خود غلو می‌کنند و آن‌ها را گماشتگانی از جانب خدا و سرپرستانی مانند پیامبر می‌دانند و مانند خدا و پیامبر فرمان می‌برند؛ چونان یهودیان که خدا درباره آنان فرمود: «عالمان و راهبان خود را خداوندگاران جز خدا گرفتند» با توجه به این‌که آنان مسلماً برای عالمان نماز نگزاردند و روزه نگرفتند، بلکه از آن‌ها به جای خدا اطاعت کردند و این شرکی بود که بر آنان پوشیده بود (همان، ص ۵۲).

بنابراین، این جریان عقیده دارد باورها، آیین‌ها و قواعد و اصول آن، در واقع بازگشت به شکل خالص‌تر و اولیه اسلام است و برای ایجاد تشخص، باورهای دینی سایر اعضای جامعه را تخریب و تخطئه می‌کند. گرایش و عضویت در این گروه سبب خواهد شد:

الف) بدنه جامعه نسبت به اعتقادات رایج مذهبی دچار حیرت و سرگردانی شود و اخلال در نظام باورهای دینی سرعت گیرد.

ب) سبب پیدایش و ظهور باورهایی معارض با عقاید مرسوم جامعه در شکلی بدعت آمیز خواهد بود که اختلافات دینی را در جامعه افزایش خواهد داد.

ج) در پی گرایش اعضای جامعه به سوی این جریان، عنصر دین از مولفه‌ای برای ایجاد همگرایی به عاملی واگرا در میان اعضای جامعه تبدیل خواهد شد؛ زیرا دینداری با سه عنصر «مشارکت»، «دلبستگی» و «باور» سنجیده می‌شود؛ در حالی که اعضای جریان‌های انحرافی، نه به دین رسمی جامعه دلبستگی دارند؛ نه به اشتراک عقیده با دیگران باور و نه باورهای رایج جامعه را اعتقادی صحیح می‌دانند تا حس مشترکی با اعضای جامعه داشته باشند، بلکه بیش‌تر به دنبال جداسازی خود از پیکره اصلی جامعه و ایجاد تمایز بین عقاید رایج و اعتقادات فرقه‌ای خود هستند که ابتدایی‌ترین و اولین کارکرد منفی گرایش به این جریان است و موجب اختلال در نظم اجتماعی نیز خواهد شد.



۳-۲. گسیختگی نظم اجتماعی

از هم گسیختگی نظم اجتماعی، وضعیتی است در مقابل سازمان داشتن. این نظام گسیختگی، حاصل فرو ریختن و از بین رفتن نفوذ هنجارهای حاکم بر رفتار است (سلیمی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۶)؛ زیرا انسان به عنوان موجودی ذاتا اجتماعی، تا زمانی می‌تواند به عنوان یک واحد مستقل به حیات خود ادامه دهد که:

الف) از نظم اجتماعی برخوردار باشد، و این مهم در گرو هم‌نوایی اعضای جامعه با یکدیگر است؛

ب) بر الگوهای مشترک و چارچوب‌هایی معین و وضع قوانین برای ایجاد ثبات در جامعه تکیه کنند تا مانع از بروز نزاع و درگیری در جامعه شوند و در صورت بروز درگیری با مراجعه با چارچوب‌های تعیین شده به اختلافات پایان دهند.

برای همین منظور است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «از راه‌های مختلف [و انحرافی] پیروی نکنید که شما را از راه حق دور می‌کند. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند تا پرهیزکار شوید» (انعام: ۱۵۳)؛ درحالی که شاکله اولیه و بنیادین هر فرقه و جریان انحرافی، از جمله جریان منصور هاشمی خراسانی بر ایجاد تفرقه و اختلاف بنیان نهاده شده که پا را از الگوها و معیارهای پذیرفته شده جامعه فراتر می‌نهند و عضویت افراد در چنین گروهایی، آن‌ها را به مخالفت با ارزش‌ها و هنجارهایی که نظم اجتماعی را تضمین می‌کند، سوق می‌دهد:

«اصلاح‌طلب» و «اصولگرا» در ادبیات سیاسی ایران، کسی است که قانون اساسی این کشور را قبول دارد، ... روشن است که ... منصور هاشمی خراسانی «اصلاح‌طلب»، «اصول‌گرا»، «اعتدال‌گرا» و «انقلابی» محسوب نمی‌شود؛ چراکه ایشان قانونی اساسی جز کتاب خداوند و سنت پیامبر را قبول ندارد (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش نقدها و بررسی‌ها، کده ۷۰).

بسیار واضح است که قانون اساسی و بنیادهای حقوقی، یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی است که با تعیین هنجارهای برآمده از ارزش‌های جامعه به تعامل و روابط اعضا، نظم می‌بخشد و مردم را حول محوری معین هماهنگ می‌کند و مانع بروز رفتارهای نابهنجار می‌شود؛ در حالی



که گرایش به این جریان سبب خواهد شد:

یکم. اعضای که به سوی این جریان گرایش پیدا می‌کنند، تبعیت از قانون اساسی کشور را نه به عنوان یک هنجار اجتماعی، بلکه یک ضد هنجار که در تضاد با آموزه‌های فرقه‌ای است، تلقی کرده و خود را به اطاعت از قانون ملزم نمی‌بینند و این موضوع، موجب اخلاف در ثبات اجتماعی جامعه خواهد شد.

دوم. اقلیتی معدود، به دلیل آن‌که غیر از اعضای جریان را در موقعیتی پست‌تر از خود تصور می‌کنند و با توهم حقانیت، دیگران را شایسته همکاری و تعاون اجتماعی با اعضای فرقه نمی‌بینند، خود را به اطاعت از قانون که حقوق دیگر شهروندان را تضمین می‌کند، ملزم نمی‌دانند.

سوم. با آموزش‌های فرقه‌ای که توسط رهبران گروه می‌بینند، حقوق دیگر اعضای جامعه را تضییع خواهند کرد. بنابراین، عضویت در این جریان به شکاف‌های اجتماعی دامن خواهد زد و تهدیدی جدی برای نظم اجتماعی و احساس امنیت عمومی جامعه خواهد بود (ر.ک: سینگر، ۱۳۹۹).

۳-۳. تخریب بنیان خانواده

«خانواده» کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال بزرگ‌ترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می‌آید و زیربنای جوامع بشری است که چالش در کارکرد این نهاد اجتماعی کوچک، ولی با ضریب تاثیرگذاری بالا در جامعه، به مشکلات اجتماعی در وسعت بیش‌تری خواهد انجامید. براساس گفته مارگارت تالر سینگر:

در بسیاری از فرقه‌ها، افراد دارای هویت اجتماعی جدید می‌شوند ... از نو متولد شده، ارشاد گردیده، قدرتمند شده باز تولد یافته و پالایش می‌یابند... و از اعضا خواسته می‌شود تا این هویت اجتماعی جدید را از خود بروز دهند (سینگر، ۱۳۹۹: ص ۱۳۱).

بنابراین، یکی از کارهای‌های جریان انحرافی خراسانی تلاش برای قطع ارتباط اعضای گروه با خانواده‌ها و از بین بردن آثار کنترلی والدین و اعضای خانواده بر افراد است. آن‌ها به پیروان خود چنین القا می‌کنند که چون آن‌ها در مرتبه بالایی از معرفت قرار دارند، اول باید تلاش کنند



تا خانواده خود را نیز به عضویت این گروه در آورند؛ اما در صورت عدم توفیق در این زمینه، دیگر به اطاعت از والدین (در صورت تعارض رفتار آن‌ها با اهداف و آموزه‌های جریان) نیازی نخواهد بود. در این زمینه می‌گویند:

وجود اذن پدر برای دختری که بالغ، عاقل و رشید است، شرط صحت ازدواج نیست، بلکه احتیاطی واجب از نظر عقل و شرع برای پیشگیری از متضرر شدن و مغبون شدن اوست... از این جا دانسته می‌شود که دختر بالغ، عاقل و رشیدی که قبلاً ازدواج نکرده است، در صورتی مجاز به ازدواج بدون اذن پدرش نیست که پدرش سفیه یا ظالم نباشد؛ چرا که اگر سفیه یا ظالم باشد... دختر می‌تواند با وجود مخالفت او، با مؤمنی که کفو اوست ازدواج کند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۹: کد۴۹۱د).

در زمینه ترویج ازدواج تشکیلاتی نیز آمده است:

عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد؛ گفت: منصور به من فرمود: چه چیزی شما را باز می‌دارد از این‌که با زنان مؤمن موافق (زنان داخل در تشکیلات جریان) ازدواج کنید تا بسیار شوید و ادامه یابید؟ (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸: ص ۲۰۴).

این آسیب بدان سبب است که:

الف) به دلیل این‌که نهاد خانواده، خود یکی از مهم‌ترین موانع وفاداری اعضا به جریان‌ها است؛ این جریان انحرافی تلاش می‌کند ارتباط فرد با خانواده و گذشته را قطع و برای این کار چنین القا کند که اساساً وضعیتی که فرد در گذشته در آن زیسته، به کلی اشتباه و نادرست بوده است و فرد اگر خواستار نجات و زندگی بهتر است، باید ارتباط خود را با گذشته و هرآنچه مانع هدف اوست، رها کند و به آموزه‌های گروه وفا دار بماند.

ب) در گروه‌های انحرافی، مهم‌ترین وظیفه برآوردن اهداف فرقه‌ای است و برای رسیدن به هدف، فروپاشی خانواده کسانی که به عضویت در این جریان‌ها در می‌آیند؛ اهمیتی ندارد.

بنابراین، چون تامین مقاصد فرقه هدف اولیه و اصلی جریان‌های انحرافی است و اساساً جریان، خانواده جدید فرد محسوب می‌شود (که باید به آن وفادار بماند، و اگر قرار است خانواده‌ای (فرقه‌ای) تشکیل شود باید بر تامین مقاصد جریان متمرکز شود) در طولانی مدت،



ازدواج‌های تشکیلاتی که در این گروه‌ها اتفاق می‌افتد، سبب می‌شود تا از لحاظ کمی، بنیه اجتماعی چنین جریان‌هایی تقویت و در نتیجه مقابله با آن دشوارتر شود.

۳-۴. گسترش خشونت در جامعه

یکی دیگر از تهدیدهای اجتماعی گرایش به جریان منصور هاشمی خراسانی، گسترش و نهادینه شدن خشونت در جامعه است. در این زمینه می‌توان به سخنان هاشمی خراسانی توجه کرد که می‌گوید:

قتال با ظالم، اگر چه کافر نباشد، ماذون و مورد یاری خداوند است. من اگر در زمین تمکن یابم، آنان را به سزای عملشان خواهم رساند؛ چرا که برداشتن آن‌ها از سر راه مهدی بر هر مسلمانی که متمکن از آن باشد، واجب است (همان، ۱۴۰۰: ص ۶۲ و ۲۶۴).

او همچنین در پاسخ به سوال از جواز ترور می‌گوید:

«ترور» با اذن خلیفه خدا^۱ در زمین جایز است، خصوصاً با توجه به عموم اطلاق آیات امر کننده به قتل مشرکین که شامل قتل آنان در حال غفلت نیز می‌شود (پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸: کد ۳۸۳).

پس، این جریان بر اساس شاخصه‌های که حاجیانی برای جریان‌های انحرافی خشونت طلب ذکر می‌کنند: ۱. تعصب و جزمیت اعضا بر آیین‌ها و باورهای فرقه‌ای؛ ۲. در اقلیت بودن و کوچک بودن این گروه که نوعی هویت مقاومت به این جریان انحرافی می‌بخشد؛ ۳. افراط‌گرایی و تندروی که از طریق ضدیت با دیگران معنا می‌یابد و هویت خود را در نفی دیگران می‌بیند و به این دلیل به خصومت ورزی، تضاد و تکفیر دیگران سوق پیدا می‌کند؛ ۴. محوریت و قطبیت رهبر جریان؛ ۵. عدم رسمیت در جامعه و تصور غیر قانونی بودن و غیر آشکار بودن اعضای فرقه (ر.ک: حاجیانی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۵)؛ با توجه به شاخصه‌های مذکور، زمینه را برای استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز در اجتماع آماده و بستر تهدیدهای امنیتی را فراهم

۱. با توجه به این‌که خود را «خلیفه‌الله» می‌نامد (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸: ص ۱۵۷).

می‌کند.^۱

۴. تهدیدهای امنیتی

«امنیت» در نگاه سلبی که طرفداران زیادی دارد، به «نبود تهدید» معرفی می‌شود و به وضعیتی اطلاق می‌گردد که در آن، خطری نسبت به منافع بازیگر از سوی دیگر بازیگران وجود نداشته باشد و یا در صورت وجود خطر، بازیگر از امکان و توان دفع و مدیریت آن برخوردار باشد و در نگاه ایجابی که در واقع درون‌نگر است، اولویت را به تحولات و ملاحظات درونی می‌دهد و به وضعیتی تعریف شده است که «در آن، نسبت متعادل بین خواسته‌ها از یک سو و کارآمدی نظام حاکم از سوی دیگر، وجود داشته باشد؛ به گونه‌ای که نزد اعضای آن واحد سیاسی، تولید رضایت کند (افتخاری، ۱۳۸۵: ص ۲۷) و از آن‌جا که جریان‌های انحرافی، مبتنی بر ارزش‌های ذهنی و مشخصی مبتنی هستند، این توان را دارند که با نفوذ به درون پیکره جامعه به بسیج نیروی اجتماعی بپردازند، و تقابلات اعضای جامعه با نظام حاکم را افزایش دهند. از این‌رو برخی از نمودهای عینی تهدید گرایش به جریان منصور هاشمی خراسانی علیه امنیت عبارت است از:

۴-۱. مخالفت با حکومت

وجود دشمنی به نام نظام جمهوری اسلامی ایران در این جریان (بازگشت به اسلام)، دائماً در بین مریدان تبلیغ می‌شود. بنابراین، دامنه تعارض این جریان از مسائل اعتقادی توسعه یافته و به تضاد با نظام سیاسی تبدیل شده است؛ موضوعی که با تخریب مصداق ولی فقیه و در ادامه تشویق به براندازی حکومت پیگیری می‌شود.

۴-۱-۱. کاهش نفوذ اجتماعی ولی فقیه در جامعه

براساس ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، رهبر و ولی فقیه بلندپایه‌ترین مقام سیاسی کشور

۱. ترویج خشونت و برخورد خشن اعضای فرقه‌های انحرافی در جامعه ایران پدیده‌ای است که مشابه آن در فرقه‌هایی مانند بابیت و بهائیت نیز قابل مشاهده است (اسحاقیان درجه، حیدری، ۱۳۹۹: ص ۱۳۳-۱۵۸).

محسوب می‌شود و بدون تردید یکی از عوامل اقتدار در جامعه است. رهبری تاثیر بسزایی بر روحیه ملت دارد و با تجهیز و به‌کارگیری منابع مادی و معنوی و بهره‌گیری از باورهای جامعه، موجب تقویت ایمان و همبستگی اجتماعی و سیاسی می‌شود. تخریب جایگاه رهبری به اخلال در همبستگی سیاسی و اجتماعی منجر می‌گردد. به فرمایش امام علی عَلَيْهِ السَّلَام: «رهبری در جامعه، مانند ریسمان محکمی است که مهره‌ها را متحد می‌کند و به هم پیوند می‌دهد. که در صورت گسیخته شدن آن، مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هرگز جمع‌آوری نخواهند شد.»^۱ در این کار رهبرانی که علاوه بر جایگاه قانونی به نوعی از ویژگی فرهنگدانه (کاربزماتیک) برخوردار هستند، جاذبه بیش‌تری برای توده مردم دارند که با اقناع، ایجاد اعتقاد و یا اعمال رهبری، جلب اطاعت می‌کنند از همین نقطه با قدرت نرم حکومت پیوند می‌خورد (کوئن، ۱۳۷۲: ص ۹۹ و ۳۰۱؛ گالبرایت، ۱۳۸۱: ص ۴۰). لذا در جهت تخریب چهره رهبری در جامعه، فرهاد گلستان از نظریه پردازان جریان می‌نویسد:

مرگ این بت خواهد توانست که این نظام مستبد و منحرف را به زوال بکشاند و سبب تعجیل در ظهور امام مهدی عَجَلُ الشَّيْخِ شود. او در حفظ و اداره حکومتش نصرتی از جانب خدا دریافت نکرده و نخواهد کرد؛ چرا که نصرت خدا شامل افرادی می‌شود که او از آن افراد به شمار نمی‌رود (گلستان، ۱۴۰۱: کد ۱۱۹).

یکی دیگر از مبلغان جریان می‌گوید:

رهبر این نظام فاسد و شرور، نه خداست و نه پیامبرش و نه خلیفه آن دو، بل حاکمی جاهل و جائر است که از مصادیق بارز طاغوت محسوب می‌شود (پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۴۰۱: کد ۵۴۴).

بنابراین، از آن‌جا که نفوذ مردمی ولی فقیه در جامعه ایران بیش از آن‌که برآمده از قانون اساسی باشد، بیش‌تر به جایگاه معنوی و نیابت از امام زمان عَجَلُ الشَّيْخِ و پایگاه مردمی وابسته است؛ گسترش این تفکر انحرافی که نظریه پردازان جریان در میان پیروانشان نشر می‌دهند

۱. «مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنَ الْحَزْرِ يَجْمَعُهُ وَ يَصُفُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْحَزْرُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَائِرِهِ أَبَدًا» (نهج البلاغه، خ ۱۴۶).

سبب تخریب جایگاه رهبری و کاهش نفوذ اجتماعی و سیاسی ولی فقیه می‌شود و بی‌ثباتی سیاسی و در ادامه تهدیدهای امنیتی را در جامعه در پی خواهد داشت.

۲-۱-۴. گسترش ادبیات بدبینانه علیه حاکمیت

یکی از پیش‌زمینه‌های چالش‌های امنیتی در هر جامعه، القای ناکارآمدی نظام حاکم بر آن جامعه و گره زدن مشکلات مردم به باورهای اعتقادی آن‌ها در باب حکومت است که در صورت گرایش افراد به این جریان می‌تواند به مشکلات امنیتی در جامعه دامن زند. فرهاد گلستان می‌نویسد:

حاکمان وقت ایران نه تنها در عمل به وعده‌های خود مبنی بر ایجاد رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم با استقرار حکومت دینی و تشکیل جامعه اسلامی ناکام مانده‌اند، بلکه در جهت کاملاً بر عکس ریشه دینداری را در جامعه خشکانده‌اند... بدون شک، دین‌گریزی مردم ایران که خصوصاً در اعتراضات ماه‌های گذشته^۱ با جلوه‌هایی از دین‌ستیزی نیز همراه بوده است؛ ثمره کاشت نهال و آبیاری شجره خبیثه‌ای است که با اعتماد اشتباه به فقها و سپردن امر دین به آنان به جای انتخاب خلیفه معصوم خدا و سپردن حکومت به او شکل گرفته است (رضوی، ۱۴۰۲: کد ۱۲۰).

بنابراین، این جریان، پس از القای ناکارآمدی حکومت دینی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه که در مهدویت ریشه دارد؛ و معرفی تفکر منصور هاشمی به عنوان تفکر کارآمد و درست، در مرحله بعدی تئوری براندازی نظام را مطرح می‌کند.

۳-۱-۴. تحرکات براندازانه علیه نظام

جریان منصور هاشمی بر اساس اندیشه زمینه‌سازی و تشکیل حکومت زمینه‌ساز حکومت جهانی، نظام سیاسی موجود در کشور ایران را مهم‌ترین مانع برای دستیابی به این هدف می‌داند و به این دلیل به تحرکات براندازانه بر علیه حکومت اقدام کرده است؛ اما چون نتوانسته است فعلاً به یک تشکیلات منسجم دست یابد و این تفکر را در جامعه عملیاتی کند، به تحرکات انگیزشی برای براندازی و به ایجاد نفرت از نظام می‌پردازد و به گفته هوفر: ایجاد

۱. اغشاشات سال ۱۴۰۱.

نفرت دسترس پذیرترین و فراگیرترین عامل وحدت بخش برای تقابل با نظام سیاسی است که شخص را از خود دور می‌کند. در این وضعیت، افراد برای از بین بردن دشمن مشترک متحد می‌شوند و این امر عامل بقای گروه می‌گردد (هوفر، ۱۳۸۵: ص ۹۹). در این زمینه محمود ساحق، یکی دیگر از نظریه پردازان این گروه در ابتدا مردم را مسئول تاسیس و بقای انقلاب اسلامی معرفی کرده است و می‌نویسد:

مردم ایران مسئول تمام اتفاقاتی است که در ایران در جریان است...؛ زیرا حاکمیت یک فرد یا گروه بر مردم، حاصل چیزی جز تصمیم، انتخاب و همراهی مردم، یا سکوت، انفعال و پذیرش آنان نیست (ساحق، ۱۴۰۱: کد ۱۱۸).

وی در ادامه مردم را تحریک و آن‌ها را تشویق می‌کند تا با حرکت علیه حکومت، به براندازی نظام اقدام کنند. باید به این نکته توجه کرد که این مواضع، هم‌زمان با اغتشاشات سال ۱۴۰۱ مطرح گردیده است که از اقدامات ضد امنیتی این جریان پرده برمی‌دارد.

به این ترتیب، سقوط «آیت‌الله»‌ها نیز در ایران، مشروط بر خواست جدی و اراده مردم و پافشاری و استقامت آنان، امری قطعی و نزدیک است (همان).

دشمن نشان دادن نظام سیاسی و معرفی آن به عنوان تنها مانع بر سر راه حل مشکلات مردم، شیوه‌ای است که در این جریان برای اتحاد درون گروهی و همین‌طور ایجاد حس تنفر از نظام، از آن بهره می‌گیرند. در چنین اوضاع و احوالی اگر نظام سیاسی حاکم نتواند تعارضات ایجاد شده را حل کند، گرایش اعضای جامعه به سوی هاشمی خراسانی، نظام سیاسی را با عدم مشروعیت و ناکارآمدی مواجه خواهد کرد و ممکن است در صورت غفلت از آن، تقابل بین بدنه جامعه و دولت افزایش یابد.

۴-۲. افزایش رفتارهای مجرمانه در جامعه

جریان‌های انحرافی به دلیل تمامیت‌گرایی و تعصب بر درستی عقاید و انحصار کشف حقیقت (حاجیان، ۱۳۸۳: ص ۲۳۷)؛ به ناچار به رفتارهای مجرمانه در جامعه دامن می‌زنند و افراد به عضویت در آمده در گروه را به سوی آشتی ناپذیری با دیگران و رفتارهای مجرمانه سوق می‌دهند. در این زمینه توجه به موضع این جریان در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ قابل توجه



است؛ یعنی درست در زمانی که کشور با تهدیدهای امنیتی روبه‌رو بود، این جریان در حکمی اقدام علیه امنیت ملی را جایز می‌داند و می‌نویسد:

اقدام مسلحانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران یا ایجاد ناامنی در جامعه تحت حاکمیت آن، محاربه محسوب نمی‌شود؛ چرا که رهبر این نظام فاسد و شرور، ... حاکمی جاهل و جائز است که از مصادیق بارز طاغوت محسوب می‌شود (پایگاه اطلاع رسانی منصورهاشمی خراسانی، کد ۵۴۴۵).

در ادامه زمانی که نیروهای نظامی و امنیتی تمام تلاش خود را برای برقراری امنیت در کشور به کار گرفته بودند؛ در پاسخ به این پرسش: «حکم کسانی که در آشوب‌های ایران، مأموران را به قتل رسانده‌اند، چیست؟»؛ قتل نیروهای امنیتی را مصداقی از زمینه‌سازی ظهور معرفی می‌کند:

طبیعتاً این قاعده شامل کسانی که او را در ظلمش یاری می‌دهند نیز می‌شود... کشتن مأمورانی که برای حمایت از حاکم ظالم به سرکوب مردم از طریق اظهار و استعمال سلاح می‌پردازند، برای مردمی که ممکن است توسط آنان کشته شوند، مباح است و گناه شمرده نمی‌شود (همان)

بنابراین، افرادی که به چنین گروه‌هایی گرایش پیدا می‌کنند، با این دید که رفتارهای مجرمانه آن‌ها در جهت رفع موانع ظهور است و به تصور این‌که در مسیر مقدسی گام بر می‌دارند؛ آن‌ها را به سوی موارد ذیل سوق می‌دهد:

۱. اغتشاش در کشور برای بی‌ثبات سازی نظام حاکم برای دستیابی به هدف؛

۲. ترور و حذف فیزیکی مخالفان و قتل نیروهای امنیتی که در تحلیل آن‌ها نه تنها عملی مجرمانه تلقی نمی‌شود، بلکه وظیفه و تکلیفی واجب برای اعضای جریان شمرده خواهد شد و برای زمینه‌سازی ظهور این کار را باید انجام دهند.

۳-۴. سوء استفاده دشمنان خارجی از اعضای جریان

یکی دیگر از آسیب‌های گرایش و عضویت در این جریان در بعد سخت افزاری امنیت، سوء استفاده دشمنان از اعضای این جریان است؛ زیرا دشمنان برای ورود و ضربه به امنیت هر کشوری، استفاده از منابع و ظرفیت‌های داخلی را بهترین گزینه و فرصت برای ایجاد چالش در



ثبات اجتماعی و امنیتی می‌دانند و وجود این جریان انحرافی در داخل کشور فرصتی برای استفاده بیگانگان است^۱ و این، بدان سبب که جریان‌های انحرافی چند ویژگی دارند:

الف) دارای رهبر هستند؛

ب) دارای تشکیلات هستند و سازمان‌دهی شده عمل می‌کنند؛

ج) دارای انگیزه‌های دینی برای زمینه‌سازی‌اند؛

د) از سوی دیگر، به منابع مادی برای پیشبرد اهداف فرقه‌ای نیازمند هستند. به همین دلیل، گزینه مناسب و قابل دسترس‌تری برای بیگانگان و دشمنان خارجی به حساب می‌آیند.

بنابراین، دشمنان و استعمارگران که در تلاش برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی هستند، در زمان‌هایی حساس مانند اغشاشات، می‌توانند با تجهیز افراد عضو در این گروه انحرافی به سلاح و ابزارهای دیگر، با توجه به فعالیت بخشی از این جریان در خارج از کشور و فعالیت بخشی دیگر از اعضای جریان در داخل کشور؛ آن را به یکی از چالش‌های درون مرزی و برون مرزی برای نظام تبدیل و آسیب‌های جدی برای امنیت ملی ایجاد کنند؛ همچنان که مصادیق تاریخی متعددی در این زمینه وجود دارد، مانند حمایت روس، انگلیس و آمریکا از فرقه ضاله بابیت و بهائیت و اقطاب دراویش (حاجیانی، ۱۳۸۳: ص ۲۵ و ر.ک: رائین، بی‌تا: ص ۹۹-۱۲۵).

۵. راهکار برخورد با افراد گرایش یافته

بر اثر عواملی، افراد به این جریان و یا هر گروه انحرافی دیگرگرایش پیدا می‌کنند که این عوامل را می‌توان به دو قسمت عام (شامل علل گرایش به هر جریان انحرافی مهدوی) و علت‌های خاص (گرایش به این جریان) تقسیم کرد.

الف) علت‌های عام در یک نگرش کلی در بیش‌تر مواقع به دنبال مؤلفه‌های ذیل باشد: ۱. بد فهمی مسائل دینی، به ویژه در عرصه مهدویت؛ ۲. ورود افراد غیر متخصص در مباحث مهدوی

۱. اغشاشات جریان دراویش گنابادی (<https://www.khabaronline.ir/news/757668>) و اغشاشات جریان

احمد اسماعیل بصری در تربت حیدریه (<https://www.aparat.com/v/0AGIt>).

و طرح موضوعات آسیب‌زا؛ ۳. تقاضاهایی که در جامعه شکل می‌گیرد و نهادهای رسمی به سبب عدم پاسخگویی صحیح و عملکرد اشتباه و ناکارآمد، زمینه و انگیزه لازم را برای گرایش این افراد به جریان انحرافی فراهم می‌کنند؛ زیرا اعضای جامعه امروز با تجربه تفکرات مادی و پوچ تلاش می‌کند برای فرار از این بن بست پوچگرایی خود را به سوی معنویت سوق دهند، و از طرفی، زمانی که با عملکرد بد مسئولان نهادهای دینی و سیاسی کشور روبه‌رو می‌شوند (که به تقاضاهای مادی و معنوی آن‌ها پاسخ و راه حل درستی ارائه نکرده‌اند) در دام چنین جریان‌ها و گروه‌های انحرافی گرفتار می‌آیند.

ب) اما علت خاص گرایش افراد به این جریان که به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی به شمار آید؛ فعالیت‌ها و شعارهای سیاسی و تبلیغات براندازانه در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی است. این تفکر انحرافی، بیش از این‌که ماهیت اعتقادی داشته باشد، از هویت سیاسی برخوردار است که همین هویت سیاسی، سبب خواهد شد افرادی که به هر علتی (مشکلات اعتقادی یا سیاسی) مخالف نظام هستند، و در عین حال به دنبال راهی برای توجیه و مشروعیت بخشی دینی به رفتارهای براندازانه خود می‌باشند، به این جریان گرایش یابند و در نتیجه، تهدیدهای امنیتی و اجتماعی را بر کشور تحمیل کنند.

از این‌رو، برای جلوگیری از گرایش اعضای جامعه به جریان منصور هاشمی خراسانی، پیشنهادهایی ارائه می‌شود که در دو دسته راهکارهای عام و خاص ارائه می‌شود. البته باید توجه کرد که در ارائه راهکار و برخورد با چنین جریان‌هایی هم می‌توان: ۱. نحوه مواجهه با رهبران را مطرح کرد؛ ۲. نیز می‌توان به ارائه راهکار در برخورد با افراد گرایش یافته پرداخت که در این جا، در مقام ارائه راهکار برای جلوگیری از گرایش افراد به این گروه هستیم، نه برخورد با رهبر جریان خراسانی؛ و همچنین می‌توان برای مقابله با این جریان از بعد فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی شیوه‌های متفاوتی ارائه کرد که در این جا، ارائه راهکار برای جلوگیری از آسیب‌ها امنیتی و اجتماعی جریان مورد نظر است.

۵-۱. راهکارهای عمومی برای مقابله با گرایش به جریان‌های انحرافی:

۵-۱-۱. اولویت دادن به پیشگیری با کاهش فرصت‌های ظهور جریان‌های انحرافی به

وسيله، الف) تبیین صحیح آموزه‌های دینی، به ویژه مهدویت؛ ب) پرهیز از طرح مسائل آسیب زا در عرصه مهدویت، مانند: توقیت، تطبیق؛ ج) جلوگیری از ورود افراد غیر متخصص در مباحث مهدوی؛

۵-۲-۱. توجه به ضرورت تحول و تغییر در وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه، به عنوان متغیر اساسی در کاهش میزان گرایش به این‌گونه جریان‌ها؛

۵-۳-۱. برگزاری کلاس‌ها، همایش‌ها و سمینارهایی به منظور معرفی این جریان انحرافی و آسیب‌های آن؛

۵-۴-۱. تحت نظر داشتن افرادی که مستعد گرایش به این‌گونه جریان‌ها هستند، به خصوص توسط خانواده‌ها؛

۵-۵-۱. محدود کردن و کنترل دسترسی افراد به رهبران و پیروان جذب شده در گروه‌های انحرافی و وضع قوانین بازدارنده از فعالیت این دسته افراد؛

۵-۶-۱. ارائه مهارت‌های لازم به اعضای جامعه در زمان مواجهه با جریان‌های انحرافی؛

۵-۷-۱. برخورد فکری و اندیشه‌ای از طریق حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و نقد عالمانه مبانی این جریان در قالب انتشار کتاب و مقالات علمی.

۵-۲-۲. راهکارهای خاص برای مقابله با گرایش به جریان منصور هاشمی خراسانی؛

۵-۲-۱. نقد آثار منتشر شده جریان اعم از کتاب‌ها و مقالات؛

۵-۲-۲. نقد مبانی نظری و عملی آن و تبیین و پررنگ کردن تناقضات؛

۵-۲-۳. تبیین ابهاماتی که مربوط به رهبری آن وجود دارد و پنهان‌کاری جریان در معرفی رهبر گروه؛

۵-۲-۴. جلوگیری از توزیع و نشر آثار این جریان در جامعه؛

۵-۲-۵. محکم کردن مبانی اعتقادی و سیاسی نظام و پر کردن خلأهایی که مورد سوء استفاده جریان خراسانی قرار گرفته است؛

۵-۲-۶. برخورد با رهبر جریان؛ زیرا خلأ رهبری، جریان را با سر درگمی و انحطاط و فروپاشی از درون روبه‌رو خواهد کرد.

۵-۲. ایجاد شک و تردید در باورهای و عقاید فرقه.



نتیجه گیری

آنچه این مقاله به آن دست یافت، نشان می‌دهد که گرایش اعضای جامعه به جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی، تهدید جدی امنیتی و اجتماعی برای جامعه ایران است و گرایش به آن نتایج ذیل را خواهد داشت:

۱. گرایش به این جریان، اخلال در نظام باورهای دینی را تسریع خواهد کرد و سبب ظهور باورهای بدعت آمیز و انحرافی در جامعه خواهد شد.

۲. به شکاف در همبستگی اجتماعی و در نتیجه باعث گسیختگی نظم اجتماعی منجر خواهد شد که آن نیز به دلیل پایبند نبودن به قوانین حاکم بر جامعه و ضد هنجار خواندن قوانین کشور به دلیل تضاد با آموزه‌های فرقه‌ای و توهم برحق بودن خودشان است.

۳. گرایش به این جریان علاوه بر این که به فروپاشی بنیان خانوادگی افراد جذب شده منجر خواهد شد، به دلیل ترویج ازدواج تشکیلاتی به تقویت بنیه جریان خواهد انجامید که هزینه مقابله با آن بسیار خواهد بود.

۴. عضویت در این جریان به دلیل جزمیت در باورها، در اقلیت بودن و افراط‌گرایی ضدیت با دیگران و تصور غیر قانونی بودن و غیر آشکار بودن فرقه، باعث گسترش خشونت در جامعه خواهد شد.

۵. دامنه تعارض و تضاد جامعه با نظام سیاسی کشور را، با تخریب رهبری، ایجاد ناامیدی از نظام و اقدامات براندازانه گسترش خواهد داد.

۶. رفتارهای مجرمانه و اقدام علیه امنیت ملی، به توهم زمینه سازی برای ظهور به عنوان نوعی ارزش و تکلیف برای اعضای جریان جلوه خواهد کرد.

۷. اعضای این جریان‌ها گزینه قابل دسترسی برای بیگانگان، به منظور ایجاد نامنی برای کشور خواهند بود تا با استفاده از ظرفیت داخلی این گونه جریان‌ها اهداف خود را در جامعه تحقق بخشند.

در این اوضاع و احوال، اگر نظام سیاسی حاکم نتواند تعارضاتی را که از سوی این جریان ایجاد شده را حل کند، گرایش اعضای جامعه به آن خواهد توانست، علاوه بر آسیب‌رسانی به بدنه اجتماعی کشور و ایجاد شکاف در وحدت ملی، نظام سیاسی را با عدم مشروعیت و

ناکارآمدی مواجه سازد و تقابل بین بدنه جامعه و دولت را افزایش دهد که برای حل این مشکل، قبل از ظهور عینی و فعال این جریان در جامعه، می‌توان با تبیین صحیح آموزه‌های دینی در سطح جامعه، به ویژه مهدویت در سطوح عمومی و تخصصی، جلوگیری از ورود افراد غیر متخصص به این عرصه، همچنین تقویت و تحول در بنیه اقتصادی جامعه، و وضع قوانین بازدارنده از تبلیغات این جریان، در کنار آموزش روش‌های مواجهه با جریان‌های انحرافی از گرایش افراد به این جریان پیشگیری کرد.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد (بی تا). *معجم مقایی اللغة*، محقق: عبد السلام، محمد هارون، مصر، نشر شرکه مکتبه البابی و اولاده.
۲. آرشیو مرکز تخصصی مهدویت، *گروه فرق و ادیان*.
۳. اسکندری، مصطفی (۱۳۹۶). *درسنامه جریان شناسی احزاب و گروه های زاویه دار در ایران*، انتشارات تهران، بعثت.
۴. اسحاقیان درچه، جواد؛ حیدری چراتی، حجت (بهار ۱۳۹۹). «*تحلیل راهکارهای مشترک نفوذ جریان های انحرافی معاصر در بستر آموزه های مهدویت*»، نشریه انتظار موعود، شماره ۶۸.
۵. افتخاری، اصغر؛ جلالی، علی (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). «*تهدیدات عرفان های نوظهور علیه انقلاب اسلامی ایران*»، نشریه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۲۴.
۶. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). *کالبد شکافی تهدید*، نشر مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، تهران.
۷. _____ (بهار ۱۳۸۰). «*ساخت اجتماعی امنیت (درآمدی بر جامعه شناسی امنیت)*»، نشریه پژوهش های دانش انتظامی، شماره ۱.
۸. حاجیانی، ابراهیم (تابستان ۱۳۸۳). «*بررسی جامعه شناختی فرقه چرایی مذهبی و تاثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی*»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۴.
۹. حیدری چراتی، حجت؛ ندرلو، مهرداد (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). «*بررسی و تحلیل جریان منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و وحدت اسلامی*»، دو فصلنامه علمی ترویجی پژوهشنامه موعود، شماره ۶.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). *جریان شناسی فکری ایران معاصر*، قم، انتشارات دفتر نشر معارف.
۱۱. _____ (زمستان ۱۳۹۴). «*آسیب شناسی امنیتی فرقه گرایی مذهبی در جهان اسلام*»، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۴.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). *فرهنگ متوسط دهخدا*، تهران، نشر موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی.

۱۴. رائین، اسماعیل (بی تا). *انشعاب در بهائیت*، نشر موسسه تحقیقی رائین، بی جا، بی تا.
۱۵. رضوی، طاها (۱۴۰۲). *از حرف تا عمل؛ کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران*، پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، کد <https://www.alkhorasani.com/fa/content/15417>. ۱۲۰.
۱۶. ساحق، محمود (۱۴۰۱). *فردای سقوط*، پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، مقاله شماره ۱۱۸. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/15288>.
۱۷. سلیمی، علی؛ محمد داوری (۱۳۸۵). *جامعه شناسی کجروی‌ها*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. سینگر، مارگارت تالر (۱۳۹۹). *فرقه‌ها در میان ما*، مترجم: خدابنده، ابراهیم، تهران، نشر ماهریس.
۱۹. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). *نظریه‌های امنیت؛ مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*، تهران، انتشار موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۲۰. عرفان، امیر محسن (۱۳۹۵). *مواجهه ائمه علیهم السلام با مدعیان مهدویت: گونه شناسی، سبک شناسی و شاخصه شناسی*، قم، نشر مرکز تخصصی مهدویت.
۲۱. عمید، حسن (۱۳۹۵). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات راه رشد.
۲۲. قاضی زاده، علی رضا (پاییز ۱۳۹۵). «*آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران*»، نشریه پژوهشنامه، شماره ۵۵.
۲۳. کوئن، بروس (۱۳۷۲). *مبانی جامعه شناسی*، مترجم: غلامعلی عباس و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت.
۲۴. گالبرایت، جان کنت (۱۳۸۱). *آنا تومی قدرت*، مترجم: محبوبه مهاجر، تهران، انتشارات سروش.
۲۵. گلستان، فرهاد (۱۴۰۱). *نگاهی به وضعیت ایران و عربستان پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه التشریف*، پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، کد ۱۱۹. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/15306>
۲۶. محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۹). *توهم بازگشت بررسی انتقادی آرای منصور هاشمی خراسانی*، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۷. _____ (۱۳۸۱). *پرچم‌های تاریکی*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۲۸. مظفری، آیت (۱۳۹۶). *جریان شناسی سیاسی ایران معاصر*، قم، نشر زمزم.
۲۹. معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ معین*، تهران، کتاب راه نو.



۳. ملا شاهی، فاطمه، الهی نژاد، حسین، جاودان، محمد (زمستان ۱۴۰۱). «بررسی ادعاهای منصور هاشمی خراسانی در زمینه سازی ظهور»، نشریه شیعه پژوهی، شماره ۲۳.
۳۱. مهنا، عبدالله علی (بی تا). *لسان اللسان: تهذیب لسان العرب*، بیروت، نشر درالکتب العلمیه.
۳۲. هاشمی خراسانی، منصور (۱۳۹۸). *منهاج الرسول*، افغانستان: بلخ، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی.
۳۳. _____ (۱۴۰۰). *بازگشت به اسلام*، افغانستان، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی.
۳۴. هوفر، اریک (۱۳۸۵). *مرید راستین: تاملاتی درباره سرشت جنبش های توده‌وار*، مترجم: شهریار خواجهیان، تهران، نشر اختران.

آدرس منابع اینترنتی

۳۵. سایت آپارات؛ <https://www.aparat.com/v/0AglT>
۳۶. سایت خبر آنلاین، <https://www.khabaronline.ir/news/757668>.
۳۷. پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی (۱۳۹۴). *بخش نقد و بررسی*، کد ۷۰. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/6442>
۳۸. _____ (۱۳۹۹). *بخش پرسش و پاسخ*، کد ۴۹۱. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/14200>
۳۹. _____ (۱۳۹۸). کد ۳۸۳. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/10578>
۴۰. _____ (۱۳۹۴). کد ۱۲۳. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/6362>
۴۱. _____ (۱۳۹۴). کد ۵۴۴. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/15320>

